

پژوهشهای حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۸

هزار و سیصد و نود و هشت - تابستان

۷	• مسئولیت کیفری وکیل دادگستری دکتر بیژن حاجی عزیزی - سیده مریم اعتماد
۲۷	• تعارض میان منفعت عمومی جامعه و منفعت فردی دولت‌ها دکتر حوریه حسینی اکبرنژاد
۴۵	• دسترسی به غذای کافی، به‌عنوان یک حق بشری در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت دکتر نجمه رزمخواه
۶۹	• نقدی بر ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی در باب تکرار جرم آزاده قربانی - آرزو قربانی
۷۹	• پلیس مسئله‌محور و ترس از جرم دکتر سید مهدی سیدزاده‌ثانی - سعید کرمانی
۱۰۷	• تعامل تمامیت ارضی با حقوق و آزادی‌های مشروع از منظر ملی و بین‌المللی دکتر هدیه‌سادات میرترابی - دکتر سبحان طیبی
۱۳۷	• روند کاهش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس حمید شالی
۱۵۹	• تحلیل حقوقی ترابردپذیری شماره تلفن همراه در ایران؛ در پرتو مطالعات تطبیقی سید هاشم مداح‌حسینی - رجب فلاحی - سارا مرتضی‌قلی
۱۷۷	• آثار شرط سقوط یا کاهش مسئولیت در حقوق ایران با نگاهی به نظام حقوقی انگلستان دکتر حجت مبین - امین امیرحسینی
۱۹۹	• سازکارهای صیانت از حق استفاده از زبان مادری در مراجع بین‌المللی و ملی دکتر سید قاسم زمانی - فرهاد عابدینی سعدآباد
۲۳۱	• اصل مصونیت در برابر خوداتهامی در محاکم کیفری بین‌المللی علیرضا قرقانی





پلیس مسئله محور و ترس از جرم

دکتر سید مهدی سیدزاده ثانی* - سعید کرمانی**

چکیده:

ترس از جرم واکنشی احساسی است که با دو ویژگی وحشت و دلهره نسبت به جرم یا نمادهای آن مرتبط است. این پدیده اجتماعی در هر جامعه‌ای اهمیت فراوانی دارد، چراکه ما هر نوع ترسی را نمی‌توانیم بگوییم برای جامعه مضر است و حتماً باید میزان آن از خطر واقعی جرایم که افراد و جامعه را تهدید می‌نماید بیشتر و یا کمتر باشد. ترس از جرم باید در هر جامعه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد که این وظیفه در دیگر کشورها برعهده سازمان‌های پلیسی گذاشته شده است.

در مجموع سه رویکرد کلی در سازمان‌های پلیسی وجود دارد که عبارتند از: رویکرد سنتی، رویکرد جامعه محور و رویکرد مسئله محور. رویکرد مسئله محور پلیس که اولین بار توسط هرمان گلدشتاین مطرح شد شامل تمرکز بر مسائل خاص و متناسب سازی راهبرد خود به آن مسئله شناسایی شده می‌باشد. لذا این شیوه با پلیس سنتی که یک روش را برای همه مسائل به طور یکسان به کار می‌برد، متفاوت است و برای هر مشکلی روشی خاصی را تعریف می‌کند و در تعریف شیوه‌ها، رهیافت مسئله محوری به این اعتقاد می‌باشد که پلیس باید فراتر از توانمندی‌های اجرای سنتی قانون دیده شود و لازم است خیل عظیمی از روش‌های دیگر ممکن را برای مشکل تعریف شده به کار ببرد؛ پلیس برای اجرای این رویکرد از فرایندی به نام سارا استفاده می‌نماید. این فرایند با چهار روش بررسی، تجزیه و تحلیل، واکنش یا پاسخ و ارزیابی کار خود را انجام می‌دهد. این روش شیوه‌ای علمی است که با بهره‌گیری از آن بر بسیاری از مشکلات و مسائل پلیسی و اجتماعی می‌توان فائق آمد. در این روش قبل از اینکه ما مشکلی را بررسی دقیق نکنیم و مورد تجزیه و تحلیل قرار ندهیم، نمی‌توانیم پاسخی برای آن در نظر بگیریم و تمام پروژه‌ها و اهداف آنها باید

مجله پژوهش‌های حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی)، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۸
صفحه ۷۹-۱۰۶، تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۶/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۶

* استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده

Email: seyedzadeh@um.ac.ir

مسئول

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران

Email: saeedkermani1986@gmail.com

با بررسی‌های دقیقی صورت پذیرد، به‌عنوان مثال ما ابتدا باید ببینیم که آیا ترس از جرم واقعاً در یک منطقه یا شهر مشکلی حاد است یا نه؟ یا اینکه میزان آن با رقم بزهکاری چه مقدار متفاوت است و پس از بررسی‌های لازم پاسخ‌هایی منطقی برای آن در نظر بگیریم.

کلیدواژه‌ها:

ترس از جرم، پلیس مسئله‌محور، ماتریس اطمینان‌آفرینی، فرایند سارا.

مقدمه

ترس از جرم^۱ یکی از موضوعات بسیار مهم در سالیان متمادی در سازمان‌های پلیسی کشورهای مختلف بوده است و سازمان‌های پلیسی به‌صورت مداوم آن را پیگیری می‌کنند. به‌عنوان مثال، ترس از جرم بیش از دو دهه است که در رأس اولویت‌های پلیس در ایالات متحده آمریکا قرار دارد و بسیاری از مدیران پلیس این فرض را پذیرفته‌اند که کاهش ترس از جرم یک هدف مهم است.^۲

اگرچه نگرانی افراد درباره جرایم به قرن‌ها قبل مربوط می‌شود، اما ترس از جرم یک مفهوم نسبتاً جدید است.^۳ ترس از جرم برای اولین بار در سال ۱۹۳۰ در روزنامه‌های آمریکایی برای توضیح واکنش مردم نسبت به رفتار مجرمانه مورد استفاده قرار گرفت.^۴ در اروپا تا پیش از سال ۱۹۶۰ هیچ‌گونه تحقیقی درباره مسئله ترس از جرم صورت نگرفته بود و برای اولین بار در اواسط دهه ۱۹۶۰، در یک نظرسنجی ملی که در آن سؤالاتی مرتبط با درک عمومی مردم از جرم گنجانیده شده بود بحث ترس از جرم مطرح شد و به‌عنوان یک نگرانی ظهور نمود.^۵

می‌توان گفت که بحث ترس از جرم با وظایف پلیس و مأموریت‌های پلیسی پیوندی عمیق دارد و رفتارها، حرکات، عملکرد و حتی نوع پوشش پلیس می‌تواند بر میزان ترس از جرم تأثیرگذار باشد. ترس از جرم وابسته به عوامل مختلفی است و ممکن است میزان آن در هر شهر، منطقه یا محله متفاوت باشد و از همین رو مقابله با آن کار چندان ساده‌ای نیست. در

1. Fear of Crime.

2. Gary Cordner, *Reducing Fear of Crime Strategies For Police* (U.S: Department of Justice, 2010), V.

3. Department of Justice, *Fear of Crime in Ireland and its Impact on Quality of Life* (Dublin: The National Crime Council, 2009), 6.

4. Ibidem.

5. Bruce J. Doran, and Mellissa B. Burgges, *Putting Fear of Crime on the Map* (New York: Springer, 2012), 1.

کشورهای پیشرفته کنترل ترس از جرم و تجزیه و تحلیل آن از وظایف اصلی سازمان‌های پلیسی به‌شمار می‌رود^۶، اما نباید این نکته را فراموش کنیم که مأموران پلیس در هر زمان و مکانی که بخواهند نمی‌توانند به میزان و عوامل ترس از جرم دست یابند و آن را به راحتی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند، چراکه میزان و عوامل ترس از جرم در هر منطقه، شهر یا محله با هم متفاوت است، افزون‌براین، ترس از جرم موضوعی بسیار پیچیده است. آقای فرستنبرگ^۷ در سی و اندی سال پیش درباره ترس از جرم اظهارنظری نموده‌اند که هنوز هم آن را می‌توان حاصل جمع یافته‌های محققان درخصوص ترس از جرم در سال‌های اخیر دانست: «رابطه جرم با عواقب آن نه روشن است و نه ساده.» گرچه تحقیق‌های بسیار زیادی در سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها درخصوص زوایای مختلف ترس از جرم صورت پذیرفته و در پرتو این یافته‌ها، برخی از زوایای ترس از جرم روشن شده است، ولی گفته فوق همچنان مصون از ایراد باقی مانده است.^۸

پلیس کشور ما هم برای دستیابی به میزان و عوامل ترس از جرم باید رویکردی علمی و منسجم داشته باشد و در این راه از تجربیات و دستاوردهای دیگر کشورها نهایت استفاده را بنماید. در برخی کشورها برای مقابله با ترس از جرم، سازمان‌های پلیسی از رویکرد مسئله‌محور استفاده می‌نمایند که کارنامه اجرایی به نسبت مثبتی را از خود به‌جا گذاشته است.^۹

قبل از اینکه ما هر موضوعی را بخواهیم بررسی نماییم باید ابتدا مطمئن شویم که این موضوع برای ما اهمیت دارد و بررسی و دنبال کردن آن برای ما مفید است؛ به‌همین خاطر شاید اولین سؤالی که در این رابطه به ذهن ما متبادر می‌گردد این باشد که چرا ترس از جرم باید از وظایف اصلی پلیس به‌شمار رود؟ یا اینکه اصلاً ترس از جرم چه اهمیتی دارد؟ و اینکه آیا اصولاً ترس از جرم مهم است؟ در ادامه برای پاسخ‌گویی به این دو سؤال به بررسی استدلال‌ات علیه پدیده ترس از جرم می‌پردازیم و سپس به ارائه پاسخ‌هایی برای آنها برمی‌آییم. پس‌از آن به بیان رویکردهای پلیسی می‌پردازیم و در ادامه رویکرد مسئله‌محور

6. Cordner, op.cit. 1.

7. Furstenberg.

۸. سید مهدی سیدزاده ثانی، «ترس از بزه‌دیدگی مکرر» (مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم،

تهران، ۱۰ اسفند ماه ۱۳۸۷)، ۳۴۰.

9. "Mission and History of the Center for Problem-Oriented Policing," Center Problem-Oriented Policing, Last Modified Oct 19, 2015, <http://www.popcenter.org/about/?p=history>.

پلیس و چگونگی اجرای آن و نقشش برای بررسی پدیده ترس از جرم را تبیین می‌کنیم و راهکارهایی منطقی و اصولی را پیشنهاد می‌نمایم.

۱- اهمیت ترس از جرم

عده‌ای درصد این برآمده‌اند که بگویند ترس از جرم اهمیت چندانی ندارد و آنها دلایل ذیل را برای گفته‌های خود عنوان نموده‌اند:

- ترس از جرم از دوام کمی برخوردار است و مفهومی بسیار مبهم و مشکلی کاملاً نامحسوس جهت مدنظر قرار گرفتن است؛
- ترس از جرم یک ابزار سیاسی است که سیاسیون و پلیس نگرانی افراد را باتوجه به اهدافی که دارند، دستکاری می‌کنند؛
- کاهش ترس از جرم امری خطرناک است، افرادی که احساس امنیت برایشان مهیا می‌شود، ممکن است سیستم‌های دفاعی خود را از کار بیندازند و دست به رفتارهایی پرخطرتر بزنند که این خود باعث مستعد شدن افراد در برابر جرایم می‌گردد؛
- کاهش ترس از جرم باعث از بین رفتن منابع می‌گردد. دولت‌ها بایستی وقت و هزینه خود را صرف کاهش جرایم کنند که مهم‌تر از ترس از جرم است؛
- راه کاهش ترس کاهش جرایم است. شاید بگوییم که ترس از جرم از خود جرم مهم‌تر است؛ اما آن فقط بازتابی از جرایم واقعی است، بنابراین ترس از جرم متضمن توجه هدفمند و خاصی نیست.^{۱۰}

در پاسخ به این استدلال‌ات باید بگوییم که ترس از جرم تنها یک احساس نیست بلکه یک واقعیت است که با زندگی انسان‌ها گره خورده است و آثار مخربی بر سیاست، اقتصاد، زندگی اجتماعی و سیاست جنایی کشورها دارد. درباره ترس هرچه بگوییم، بشنویم و بنویسیم باز کم است، ترس پدیده مزاحمی است، پدیده پیچیده و تودرتویی است، عارضه‌ای است که از دوران کودکی با ماست و رهایمان نمی‌کند. ترس نمی‌گذارد که ما از زندگی خویش لذت ببریم، نمی‌گذارد زندگی خلاقانه باشیم، نمی‌گذارد سالم بمانیم، نمی‌گذارد جمعیت خاطر داشته باشیم و فلج‌کننده زندگی است.^{۱۱}

10. Cordner, op.cit. 4 and 5.

۱۱. بهروز سام، «غلبه بر ترس»، نشریه زبان و ادبیات فارسی فردوسی ۶۵ و ۶۶ (۱۳۸۶)، ۹۷.

اعلامیه نهایی کنفرانس اروپایی و آمریکای شمالی درباره امنیت و پیشگیری از بزهکاری در محیط شهری که در اکتبر ۱۹۸۹ میلادی در مونترال کانادا برگزار شد، درخصوص ترس از بزهکاری اعلام کرد: «ترس از بزهکاری مشکلی برای شهروندان به‌ویژه زنان و افراد سالخورده به‌شمار می‌آید. این مسئله مشکلی واقعی است. باین‌حال در بسیاری از موارد، این ترس با سطح واقعی ناامنی نامتناسب است.»^{۱۲}

افزایش ترس از جرم در حوزه اقتصادی و مالی تأثیر بسیار زیادی دارد، به‌نحوی که باعث توسعه «بازار امنیت خصوصی» (حفاظت از اشخاص، نظارت تلویزیونی - ویدئویی، انواع پلیس خصوصی در بانک‌ها، مؤسسات مالی، فروشگاه‌ها، نگرهبان و ...) شده است. در گزارش حال‌کرست^{۱۳} در ایالات‌متحده آمریکا سهم بخش تجاری امنیت خصوصی، در مقایسه با کل مبلغ هزینه‌های مرتبط با حفظ نظم توسط واحدهای دولتی در سال ۱۹۹۰ بالغ بر سی میلیارد دلار برآورد شده است.^{۱۴}

ترس از جرم بر سیاست به‌طور عام و سیاست جنایی کشورها به‌طور خاص تأثیر بسزائی دارد. سیاسیون غالباً از پدیده ترس از جرم برای رسیدن به اهداف خود در انتخابات استفاده می‌نمایند، بدین‌صورت که برخی از آنها، از مشکلاتی که به‌وسیله رسانه‌ها انعکاس داده می‌شود و اصولاً این مشکلات واقعی نیستند، برای توجیه شعارها و سخنان خود استفاده می‌نمایند؛^{۱۵} همچنین ترس از جرم در حیطه سیاست جنایی کشورها نقش بسزائی ایفاء می‌نماید، به‌عنوان نمونه در کشورهایی که سیاست‌های عمومی و اجتماعی و به‌طور خاص سیاست‌های کیفری به اعتبار مبنای دموکراتیک دولت‌هایشان تحت تأثیر مستقیم افکار عمومی قرار دارند، همواره کوشش می‌شود که سیاست‌های موردنظر در موافقت با افکار

۱۲. حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، «جنش‌های بازگشت به کیفر در کشورهای غربی»، *مجله الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی* ۱۵ و ۱۶ (۱۳۸۴)، ۲۵۹.

13. Hallcrest.

۱۴. علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم، *جرم‌شناسی* (تهران: میزان، ۱۳۹۰)، ۸۲-۸۱. نک: بهروز جوانمرد، «برآورد هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی ترس از جرم»، *مجله تعالی حقوق* ۱۳ و ۱۴ (۱۳۹۰)، ۲۰۰-۱۹۱.

۱۵. نک: حمیدرضا نیکوکار و بهاره همت‌پور، *ترس از جرم* (تهران: میزان، ۱۳۹۱)؛ مسعود کوثری، «سریال‌های پلیسی - جنایی، ترس از جرم و آمادگان برای جرم» (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، تهران، ۱۰ اسفند ماه ۱۳۸۷)؛ علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مترجم، *درآمدی بر سیاست جنایی* (تهران: میزان، ۱۳۹۰).

عمومی و یا برای شکل‌دهی به آن شکل بگیرند^{۱۶}، افزایش ترس از جرم در میان مردم می‌تواند سبب عوام‌گرایی کیفری^{۱۷} شود و همچنین اینکه مردم بیشتر خواستار مجازات‌های سنگین گردند و در نتیجه منجر به افزایش سزاگرایی^{۱۸} در میان افراد شود.^{۱۹}

ترس از جرم تأثیر قابل‌توجهی بر کیفیت زندگی دارد. ترس از جرم می‌تواند پیامدهای ناخوشایندی برای افراد داشته باشد و احساس بی‌اعتمادی، عدم‌امنیت و آسیب‌پذیری را در افراد ایجاد می‌نماید. البته تأثیر ترس از جرم تنها به سطح فردی محدود نشده و در سطح اجتماعی نیز پیامدهای منفی به‌دنبال دارد. ترس از جرم می‌تواند اجتماعات را تجزیه کند و توان مقابله اثربخش با فعالیت‌های مجرمانه را کاهش دهد و اشاعه ترس از جرم منجر به رفتارهایی می‌شود که برهم‌زننده کل اجتماع است.^{۲۰}

همچنین ترس از جرم ارتباط تنگاتنگی با بحث پیشگیری از جرم دارد؛ به‌گونه‌ای که سازمان ملل در پاراگراف سوم رهنمود پیشگیری از جرم، در تعریفی که برای پیشگیری از جرم آورده، عنوان کرده است که: «پیشگیری از جرم مجموعه اقدامات و راهبردهایی است که به‌منظور کاستن از خطر ارتکاب جرم و تأثیرات بالقوه زیان‌بار جرایم بر افراد و جامعه از جمله ترس از جرم، انجام می‌گیرد و از طریق مداخله و یا تأثیر بر عوامل ایجادکننده جرایم به‌انجام می‌رسد.»^{۲۱}

ناگفته پیداست که ترس از جرم باتوجه‌به این همه آثار فراوانی که در سطوح مختلف برجای می‌گذارد، شایسته است که به‌صورت دقیقی موردپیشگیری و ارزیابی قرار بگیرد و راهکارهایی اساسی برای این مشکل پیدا شود. هدف نگارندگان مقاله حاضر که از نوع مفهومی است و به شیوه کتابخانه‌ای انجام پذیرفته، این بوده که چگونگی مقابله پلیس

۱۶. فیروز محمودی‌جانکی و محسن مرادی حسن‌آبادی، «افکار عمومی و کیفرگرایی»، مجله مطالعات حقوقی

۲ (۱۳۹۰)، ۱۷۶.

17. Penal Populism.

18. Punitiveness.

۱۹. محمودی‌جانکی و مرادی حسن‌آبادی، پیشین، ۲۱۴-۱۷۵؛ محمدباقر مقدسی و محمد فرجیها، «رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرایم جنسی (مطالعه تطبیقی)»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۲ (۱۳۹۰)، ۱۳۲-۱۱۳.

۲۰. حبیب احمدی، مریم سروش و حسین افراسیابی، «ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز»، فصلنامه علمی و پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی ۲ (۱۳۸۸)، ۶۶.

۲۱. عبدالرضا جوان‌جعفری و سید مهدی سیدزاده ثانی، رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم (تهران: میزان،

۱۳۹۱)، ۳۷.

مسئله‌محور و نقشش درمقابله با پدیده ترس از جرم را بیان نمایند و سپس راهکارهایی اصولی و منطقی ارائه دهند.

۲- وظیفه نیروی انتظامی در مقابله با ترس از جرم

مطابق ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۷ دو وظیفه پیشگیری از جرم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی برعهده پلیس قرار داده شده است. باتوجه‌به اینکه ترس از جرم یکی از ارکان پیشگیری محسوب می‌گردد و جدای از آن امنیت و آسایش عمومی را هم می‌توان به‌نوعی عدم‌ترس افراد دانست.^{۲۲} می‌توان این‌گونه بیان داشت که یکی از وظایف اصلی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران کاهش ترس از جرم غیرواقعی در میان افراد است.

حال سؤالی که مطرح می‌گردد این است که پلیس چگونه می‌تواند ترس از جرم را در میان افراد کاهش دهد؟

البته باید این نکته را عنوان کنیم که منظور نگارندگان این نیست که پلیس همیشه باید ترس از جرم را در میان افراد و محلات کاهش دهد، بلکه در برخی اوقات برعکس با آگاهی دادن به مردم باید سطح ترس از جرم را در میان مردم به‌نوعی افزایش دهد و نمونه آن مناطقی است که در آن میزان جرایم زیاد و ترس از جرم افراد پایین است که در ادامه درباره این موضوع توضیح بیشتری خواهیم داد.

نکته دیگر اینکه به‌موجب اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی وظیفه پیشگیری از جرم برعهده قوه قضائیه گذاشته شده است، اما بدیهی است که قوه قضائیه به‌تنهایی قادر به انجام این وظیفه مهم نیست و در ماده ۲ لایحه پیشگیری از جرم که هم‌اکنون در مجمع تشخیص مصلحت نظام مراحل قانونی خود را طی می‌نماید به‌درستی به این مهم توجه شده است و در آن قوه قضائیه برای اجرای سیاست‌های پیشگیری از جرم و نظارت، پیگیری سیاست‌های جامع و هماهنگ درباره پیشگیری از جرم شورایی را مرکب از سازمان‌های مختلف تشکیل می‌دهد که نیروی انتظامی هم یکی از سازمان‌های این شورا است.

در ادامه، در ماده ۶ این لایحه وظایف شورای استانی پیشگیری از جرم برشمرده شده است که در بند ۱ ماده ۶ این لایحه به اجرای تصمیمات این شورا اشاره شده است. حال

۲۲. البته نگارندگان به این نکته واقف‌اند که حوزه امنیت بسیار وسیع است و تنها شامل امنیت جانی و مالی نمی‌گردد. نک: منیژه نویدنیا، «تأملی نظری در امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی ۳۱ (۱۳۸۴)، ۷۲-۵۳.

سؤالی که مطرح می‌گردد این است که چه سازمان یا نهادی به‌نحوی بهتر و شایسته‌تر می‌تواند برنامه‌های پیشگیری از جرم که ترس از جرم یکی از مباحث اصلی در برنامه‌های پیشگیری از جرم می‌باشد را در سطح محلات و استان‌ها اجرا نماید؟ و یا اینکه به‌دست آوردن دیدگاه و نظرات شهروندان و ساکنان محلات در برنامه‌های پیشگیری که در بند ۴ ماده ۶ این لایحه بدان اشاره شده است، چگونه و توسط چه سازمان یا نهادی باید انجام پذیرد؟

به‌نظر می‌رسد که نیروی انتظامی بیشترین سهم را باید در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های این لایحه داشته باشد و با توجه به اینکه بند ۲ و ۳ ماده ۶ این لایحه اشاره کرده است که برنامه‌های پیشگیری باید به‌صورت مکتوب تهیه شوند و مورد ارزیابی قرار گیرند، به‌نظر رویکردی علمی است. باید وظیفه مبارزه با ترس از جرم را به نیروی انتظامی هر محله واگذار نمود تا سیاست‌های مورد نظر در این باره را به‌نحو شایسته‌ای با استفاده از رویکرد مسئله‌محور اجرا نماید. در ادامه ما به تبیین رویکرد مسئله‌محور پلیس و چگونگی اجرای علمی این رویکرد در مبارزه با ترس از جرم می‌پردازیم.

۳- تبیین رویکرد پلیس مسئله‌محور

وقتی به بررسی متون پلیسی می‌پردازیم با سه الگوی متفاوت مواجه می‌گردیم (پلیس سنتی، پلیس جامعه‌محور و پلیس مسئله‌محور) که در این قسمت به بررسی هر یک به‌صورت خلاصه پرداخته و سپس نقش مهم پلیس مسئله‌محور را در کاهش ترس از جرم تبیین می‌نماییم.

در ابتدا پلیس به‌صورت سنتی اداره می‌گردید. الگوی سنتی پلیس به تدارک یکنواخت منابع پلیس و بر قدرت پلیس در اجرای قانون و مقررات اتکاء داشت که به‌منظور جلوگیری از جرم، بی‌نظمی در سراسر حوزه استحفاظی و در اکثر جرایم به‌کار برده می‌شد. علی‌رغم تداوم اعتماد اکثر ادارات پلیس به این الگوی سنتی، شواهد کمی موجود است که این الگو در کنترل جرم و بی‌نظمی یا در کاهش ترس از جرم، اثربخش بوده باشد. الگوی سنتی پلیس به‌دنبال این است که خدمات پلیس را عمومیت ببخشد. انتقادی که به پلیس سنتی در اکثر مواقع وارد می‌شود این است که به‌جای اینکه به اثربخشی فعالیت‌هایش در کاهش جرم، ترس و بی‌نظمی توجه کند، کانون توجه خود را بیشتر به ابزارهای اجرای امور پلیسی و یا منابعی معطوف کرده که منجر به توانمندی عملیاتی پلیس می‌شود؛ برطبق کاربرد گشت بازدارنده در شهر، در الگوی سنتی موفقیت این گشت‌ها با این معیار ارزیابی می‌شوند که در یک زمان چند ماشین گشت در خیابان بوده است. همچنین ارتقای معدل زمان پاسخ‌گویی به

درخواست‌های خدمات، اولین معیار ارزیابی درخصوص موفقیت در اجرای این وظیفه است. لذا الگوی سنتی به‌جای اینکه آثار عملکرد پلیس را در امنیت عمومی بررسی کند، به‌دنبال این است که چگونه خدمات پلیس، تخصیص می‌یابند.^{۲۳} در مرور الگوی سنتی پلیس، پنج راهبرد که کانون توجه مطالعات نظام‌مند در طول سه دهه گذشته بوده است، عبارتند از:

۱. افزایش اندازه ادارات پلیس؛
۲. گشت‌های نامنظم در سراسر بخش‌های جامعه؛
۳. پاسخ‌گویی سریع به درخواست‌های خدمات؛
۴. بررسی‌های معمول درخصوص جرم و کاربرد معمول شدت عمل عمومی در اجرای قوانین.^{۲۴} (همان منبع).

رویکرد دیگری که در مسائل پلیسی وجود دارد و می‌توان گفت پلیس کشور ما هم امروزه از آن پیروی می‌نماید، رویکرد جامعه‌محوری یا همان پلیس جامعه‌محور است. به‌لحاظ نظری پلیس جامعه‌محور با نظریه پنجره‌های شکسته^{۲۵} ویلسون و کلینگ^{۲۶} و در سطح گسترده‌تر با نظریه بی‌سازمانی اجتماعی هم‌سویی و مطابقت دارد، از این دیدگاه محققان ناحیه‌هایی که دارای نهادهای ضعیف، تحرک سکونت‌زیاد و نرخ بالای گسیختگی خانوادگی‌اند در کنترل رسمی و غیررسمی بر ساکنان و افراد ناشناس با مشکلات عدیده‌ای مواجه‌اند. فقدان کنترل اجتماعی یا به گفته سمپسون اثربخشی جمعی منجر به افزایش بی‌نظمی و بی‌تمدنی (دیوارنویسی، ساختمان‌های بی‌سکنه و متروک)، افزایش جرم، نرخ بالای ترس از جرم و احساس تعلق اندک به اجتماع می‌شود.^{۲۷}

ویلسون و کلینگ خاطر نشان می‌کنند که پلیس می‌تواند از طریق توجه به بی‌نظمی‌های به‌ظاهر کم‌اهمیت (وجود افراد لات و بیکار، فضاهای کم‌نور، فروشندگان مواد مخدر و ...) با برخی از مشکلاتی که از سوی نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی شناسایی شده، مقابله کند. به‌عبارت‌دیگر پلیس می‌تواند از طریق ایجاد نهادهای محلی که کنترل اجتماعی غیررسمی را

۲۳. علی کریمی خوزانی، «پلیس چگونه می‌تواند جرم، بی‌نظمی و ترس را کاهش دهد؟»، *دوماهنامه توسعه*

انسانی پلیس ۲۴ (۱۳۸۸)، ۱۲۴ و ۱۲۸.

۲۴. همانجا.

25. Broken Windows Theory.

26. Wilson and Kellin.

۲۷. رضا همتی، «پلیس جامعه‌محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی»، *فصلنامه دانش انتظامی* ۳ (۱۳۸۶)،

تقویت و بی‌نظمی را کاهش می‌دهند با ساکنان همکاری و تعامل کند. با توانمندسازی ساکنان از طریق نهادسازی و توجه ویژه به مشکلات غیرمجرمانه (مثل خانه‌های متروک و فضاهای باز و کنترل نشده) که می‌تواند زمینه لازم را برای فعالیت‌های مجرمانه ایجاد کند، پلیس می‌تواند کنترل اجتماعی جمعی (کنترل رسمی پلیس غیررسمی مردم) را افزایش داده، از میزان ترس از جرم کاسته و درنهایت احساس تعلق ساکنان به همسایگی و محل زندگی‌شان را افزایش دهند.^{۲۸}

در این رویکرد سازمان پلیس به‌جای تکیه صرف بر ابزارهای سنتی سرکوب و اعمال قدرت که لازمه آن تقابل و دوری از جامعه است، با کلیه ارکان جامعه تعامل برقرار نموده و ضمن توسعه ارائه خدمات خود به آنها، از حمایت‌های مختلف مادی و معنوی جامعه در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی بهره‌مند می‌شود. این رویکرد اشاره به ارتباط و حمایت دوسویه سازمان پلیس و جامعه دارد؛ با مردم بودن و جلب اعتماد عمومی نسبت به سازمان پلیس، موجب همکاری و مشارکت عمومی با این سازمان در برقراری نظم و امنیت اجتماعی می‌شود.^{۲۹}

با بررسی این دو الگوی پلیسی و ارتباطش با ترس از جرم به‌نظر اهدافی که دو الگو داشته‌اند در موارد ذیل خلاصه می‌گردد:

- | | | |
|-----------------------------------|---|-----------------|
| ✓ افزایش بیش‌ازاندازه ادارات پلیس | ← | کاهش ترس از جرم |
| ✓ افزایش گشت‌های پلیس | ← | کاهش ترس از جرم |
| ✓ پاسخگویی سریع به درخواست‌ها | ← | کاهش ترس از جرم |
| ✓ تعامل بیشتر پلیس با افراد جامعه | ← | کاهش ترس از جرم |
| ✓ جلب اعتماد عمومی | ← | کاهش ترس از جرم |
| ✓ کاهش بی‌نظمی | ← | کاهش ترس از جرم |

موارد عنوان‌شده در بالا همیشه و در تمام محیط‌ها با یک مدل کارساز نیست، چراکه ترس از جرم مسئله و موضوعی مقطعی نیست و نمی‌توان برای آن تنها یک دلیل یا راه‌حل

۲۸. همانجا.

۲۹. اکبر وروایی، «رویکرد جامعه‌محوری پلیس»، فصلنامه امنیت ۳ (۱۳۸۶)، ۱۱۸ و ۱۱۹؛ حمیدرضا نیکوکار و مسعود یاراحمدی، «تأثیر رویکردهای پلیس سنتی و جامعه‌محور در کاهش ترس از جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۲۲ (۱۳۹۱)، ۱۷۲-۱۵۳.

عنوان کرد، بلکه ترس از جرم ممکن است دلایل متفاوتی داشته باشد، از یک همسایه پرسروصدا گرفته تا ویژگی‌های محیطی و

نکته مهم دیگر اینکه ترس از جرم همیشه به یک میزان نیست و ممکن است از یک شهر به شهر دیگر، یا از یک محله به محله دیگر، عوامل و میزان گوناگونی داشته باشد. به‌عنوان مثال در پژوهشی که نگارندگان در سال ۱۳۹۱ در دو منطقه ۹ و ۴ شهر مشهد انجام داده‌اند، عملکرد پلیس در منطقه ۴ یکی از عوامل مؤثر بر ترس از جرم بوده است و سبب افزایش ترس از جرم در افراد این منطقه گردیده بود، این درحالی بود که در منطقه ۹ پلیس تأثیری بر ترس از جرم نداشته است، یا به‌عبارت‌دیگر عملکرد پلیس در این منطقه مطلوب بوده است.^{۳۰} علاوه بر این برای سنجش میزان واقعی جرایم و ترس از جرم تاکنون معیار دقیق و شفافی ارائه نگردیده است و پژوهش‌گران بیشتر از پرسشنامه‌های محقق‌ساخته در این زمینه استفاده نموده‌اند و سعی کرده‌اند بدین‌وسیله به رقم سیاه جرایم هم برای مقایسه با میزان ترس از جرم دست یابند. برای سنجش اندازه ترس از جرم، برخی گفته‌اند ابتدا باید دو بُعد شناختی (ادراک خطر) و احساسی (ترسیدن) آن را از یکدیگر تفکیک نمود.^{۳۱}

همان‌گونه که از نتایج این پژوهش هم پیداست، ترس از جرم حتی در یک شهر ممکن است عوامل مختلفی داشته باشد و میزان آن متفاوت باشد، بنابراین پلیس نمی‌تواند برای مبارزه با این پدیده در تمام نقاط از یک شیوه یکپارچه و مانند هم استفاده نماید. رویکردی که در این زمینه می‌تواند بسیار قوی عمل نماید و نسبت به پلیس جامعه‌محور و سنتی در کاهش ترس از جرم کمک کند و مؤثر واقع گردد رویکرد مسئله‌محوری پلیس است، رویکردی که از انعطاف بسیار بالایی برخوردار است و برای حل هر مسئله پاسخ‌هایی متفاوت ارائه می‌نماید.^{۳۲}

پلیس مسئله‌محور در اواخر دهه ۱۹۷۰ و با توجه به تحقیقات در این دوره و محدودیت‌ها و مشکلاتی که در گشت‌های تصادفی پلیس، پاسخ سریع و پیگیری سریع تحقیقات وجود داشت، پژوهشگران، کارشناسان و سیاست‌گذاران پلیس را به این مسئله واداشت که خواستار

۳۰. سعید کرمانی، «بررسی میزان و عوامل ترس از جرم در مناطق ۹ و ۴ شهر مشهد» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۲)، ۱۱۲.

۳۱. مهدی صبوری‌پور، «سنجش میزان ترس از جرم» در *دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم زیر نظر: دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی* (تهران: انتشارات میزان، زمستان ۱۳۹۳)، جلد اول، ۵۶۸.

۳۲. باید یادآوری نماییم که رویکرد پلیس مسئله‌محور معمولاً در قلمرو کاهش جرم هم کاربرد دارد.

بهبود اثربخشی عملکرد پلیس بشوند.^{۳۳} برای اولین بار هرمان گلداشتاین^{۳۴} در سال ۱۹۷۹ در مقاله خود با عنوان «ارتقای پلیس: رویکرد مسئله‌محوری»^{۳۵} این ایده را مطرح نمود که پلیس باید دارای یک نقش فعال در شناسایی، درک و پاسخگویی به مشکلات (نه فقط حوادث) در جوامع خود داشته باشد که لازمه این نگاه او تغییر در رویکرد اجرایی است.^{۳۶} گلداشتاین به این نکته توجه نمود که پلیس در بحث پیشگیری از جرم تنها به گشت‌های تصادفی تکیه می‌نماید که این عمل آنها مسائل و مشکلات را به صورت ریشه‌ای حل نمی‌کند. وی عنوان نمود که پلیس در رهیافت مسئله‌محور باید از پاسخ‌های ساده به درخواست‌های شهروندان فراتر برود و اقدامات ریشه‌ای برای حل مسائلی که باعث به وجود آمدن این مشکلات می‌گردند را در نظر بگیرد و در کنار پاسخ به درخواست‌های انفرادی شهروندان برای کارایی بیشتر باید اطلاعات مرتبط با جرایم و بی‌نظمی را شناسایی و باتوجه به آنها پاسخ‌ها و راه‌حل‌های شایسته‌ای در نظر بگیرد و آنها را اجرایی نماید.^{۳۷}

رهیافت مسئله‌محور همان‌طور که از اسم آن پیداست شامل تمرکز بر مسائل خاص و متناسب‌سازی راهبرد خود به مسئله شناسایی شده می‌باشد. لذا این شیوه با پلیس سنتی که یک روش را برای همه به‌طور یکسان به کار می‌برد، متفاوت است و برای هر مشکلی روش خاصی را تعریف می‌کند و در تعریف شیوه‌ها، رهیافت مسئله‌محوری بر این اعتقاد می‌باشد که پلیس باید فراتر از توانمندی‌های اجرای سنتی قانون دیده شود و لازم است خیل عظیمی از روش‌های دیگر ممکن را برای مشکل تعریف شده به کار ببرد. در رهیافت مسئله‌محوری جعبه ابزار پلیس می‌تواند شامل منابع جامعه و یا توانمندی‌های سازمان‌های دولتی دیگر باشد.^{۳۸} رویکرد مسئله‌محور در مورد یک جرم نخست با شناسایی جرم بالقوه یا بالفعل آغاز می‌شود. این شناسایی بر اساس گردآوری اطلاعات مختلف در مورد آمار جرم، اطلاعات وقایع‌نگاری و جزئیات ارائه شده توسط نهادهای ذی‌ربط محلی، ادارات و اعضای جامعه صورت می‌گیرد. سپس این اطلاعات برای درک بهتر مسائل مرتبط با جرم و شناسایی راهبردهای مناسب

33. "Mission and History of the Center for Problem-Oriented Policing," op.cit.

34. Herman Goldstein.

35. Improving Policing: A Problem Oriented Approach.

36. Herman Goldstein, "Problem-Oriented Policing, Approach, Crime and Delinquency," *Journal of Economic Crime Management* 25 (1979): 237.

37. Ibid, 251.

مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.^{۳۹} پلیس مسئله‌محور سه اصل کلی را در برمی‌گیرد. اولین اصل که کاربردی است حاکی از آن است که با طیف وسیعی از مسائل سروکار داشته باشد؛ اصل دوم که یک اصل هنجاری است، ادعا می‌کند که از پلیس انتظار می‌رود مسائل را کاهش دهد به‌جای آنکه به‌نحو ساده‌ای به حوادث واکنش نشان داده و اعمال قانون کند؛ اصل سوم که یک اصل علمی است، بیانگر آن است که پلیس باید رویکردی علمی به مسائل داشته باشد. پلیس باید رویکردهای تحلیلی را تهیه کند و مداخلاتش مبتنی بر نظریه‌های قابل قبول و مستندات باشد، درست مانند تصمیم‌پزشکان که توقع می‌رود مبتنی بر علم پزشکی باشد.^{۴۰}

۴- نقش فرایند سارا در اجرای رویکرد مسئله‌محور

برای اولین بار، شیوه اجرایی مسئله‌محوری در شهر نیوپورت‌نیوز ایالت ویرجینیای آمریکا طراحی گردید که اکنون به‌نام فرایند سارا^{۴۱} مشهور است. سارا فرمولی اختصاری است که نخستین بار به‌وسیله جان اک و بیل اسپلمن برای اشاره به چهار فرایند بررسی^{۴۲}، تجزیه و تحلیل^{۴۳}، واکنش یا پاسخ^{۴۴} و ارزیابی^{۴۵}، برای رویکرد حل مسئله استفاده گردید.^{۴۶} این فرایند به پلیس کمک می‌کند تا مسائل و مشکلاتش را به‌صورت دقیق و منظم پیگیری نماید و مورد ارزیابی علمی قرار دهد و همچنین در اجرای مراحل یک طرح یا پروژه، مراحل و پاسخ‌ها به‌صورت منظم و دقیقی صورت پذیرد، به‌عنوان مثال تا زمانی که پلیس راه‌حل‌هایش را دقیقاً مورد تجزیه و تحلیل قرار نداده است، نمی‌تواند آنها را برای اجرا استفاده نماید؛ و دیگر اینکه فرایند به‌گونه‌ای طراحی شده است که بدون دقت و تحلیل لازم به راه‌حل پایانی و علمی نمی‌رسیم.^{۴۷}

۳۹. غلامرضا محمد نسل، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم (تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری

ناجا، ۱۳۸۷)، ۱۳۲.

۴۰. همان، ۱۳۳.

41. SARA.

42. Scanning.

43. Analysis.

44. Response.

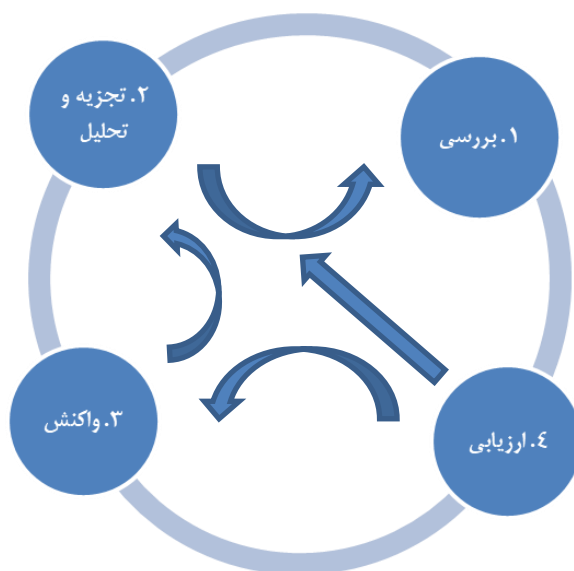
45. Assessment.

46. Ronald V. Clareke and John E. Eck, *Crime Analysis for Problem-Solvers: In 60 Small Steps* Washington (U.S: Department of Justice, 2009), 12.

47. Ibid, 12.

البته باید یادآوری نماییم که در این فرایند چهار مرحله که از آنها نام برده شد (بررسی، تجزیه و تحلیل، واکنش یا پاسخ و ارزیابی) نیازی نیست همیشه به صورت منظم و پشت سرهم انجام گیرند. بلکه کمتر پیش می‌آید که تمامی طرح‌ها و پروژه‌ها از مرحله بررسی تا تجزیه و تحلیل و پاسخ تا ارزیابی در یک مسیر گام بردارند و در برخی مواقع مشکلاتی به وجود می‌آید که باید به وسیله تجزیه و تحلیل‌های جدیدی حل شوند؛ یا اینکه باید پس از گذشت زمانی از هنگام شروع، پروژه را بازبینی کرد تا اینکه سؤالات جدیدی به وجود بیاید و برای پاسخ به آنها باید دوباره تجزیه و تحلیل انجام بپذیرد. هرچه مدت زمانی پروژه‌ها طولانی‌تر و پیچیده‌تر باشد، احتمال اینکه مشکلات بیشتری ظهور نمایند، بیشتر است و به تبع آن تجزیه و تحلیل‌ها هم باید افزایش پیدا کند. شکل زیر با فلش‌هایی که در داخل آن طراحی شده است، پویایی این فرایند را نشان می‌دهد.^{۴۸}

شکل شماره ۱: فرایند حل مسئله SARA



برای بیشتر روشن شدن پویایی این فرایند در ادامه مثالی را ذکر می‌کنیم.

زمانی که ما برای مبارزه با یک مشکل یا معضل، یک پروژه یا طرح را اجرا می‌نماییم، ممکن است در برخی موارد مجبور شویم که پس از مرحله بررسی، با گذشتن^{۴۹} از مراحل دیگر، یک پاسخ یا واکنش اضطراری و کوتاه‌مدت به مشکلی که در پی حل آن هستیم بدهیم که البته در چنین وضعیتی زمانی که ما به مرحله تجزیه و تحلیل می‌رسیم مشکل ثبت شده است. نکته دیگر اینکه ما به وسیله ارزیابی پاسخ‌های کوتاه‌مدت در مرحله تجزیه و تحلیل به پاسخ‌های جدیدی دست پیدا می‌کنیم که برای دستیابی به این امر ما باید به مرحله ارزیابی برگردیم تا با استفاده از اطلاعات جدیدی که به دست آورده‌ایم مجدداً مشکل را تعریف کنیم یا اینکه مشکلات جدیدی را کشف کنیم. مسئله مهم دیگر درباره اجرای این فرایند این است که ما به سادگی نمی‌توانیم با گذر از دیگر مراحل به پاسخ قطعی و دقیقی دست یابیم و این‌گونه فکر کنیم که بر مسئله فائق آمده‌ایم و باید به صورت مکرر و مرتب این فرایند را تکرار کنیم.^{۵۰}

مطالبی که عنوان شد خلاصه‌ای از فرایند سارا و چگونگی اجرای آن بود، در ادامه به بررسی هریک از مراحل این فرایند در حیطه ترس از جرم پرداخته می‌شود و سپس راهکارهایی اصولی در این باره ارائه می‌گردد.

۴-۱- بررسی

اولین مرحله در برنامه‌های پلیس مسئله‌محور و ترس از جرم مرحله بررسی است. پلیس پیش از حل مشکل ترس از جرم در هر منطقه یا شهری ابتدا باید بررسی کند که آیا ترس از جرم در این منطقه هست یا خیر؟ زیرا حل مشکلی که وجود خارجی ندارد، علاوه بر اینکه سودی ندارد، ضررهای غیرقابل‌جبرانی ممکن است، داشته باشد.

جهت مشخص کردن علل دقیق ترس از جرم در هر مکانی نیاز به اطلاعات دقیق داریم، چراکه نقش مرحله اهمیت فراوانی در مراحل بعدی دارد. در این مرحله ما می‌توانیم با استفاده از برخی سؤالات به تجزیه و تحلیل ابتدایی ترس از جرم بپردازیم. برخی از سؤالاتی که در این مرحله باید به آنها پرداخته شود، عبارتند از:

- عللی که باعث ترس از جرم در هر منطقه یا شهر می‌گردد، چیست؟
- در میان کدام‌یک از گروه‌ها و اقشار جامعه ترس بیشتری از جرم وجود دارد؟

49. Jump.
50. Ibid, 12.

• در میان کدام افراد ترس از جرم بیشتر از آمار واقعی جرایم و خطر قربانی شدن آنان است؟

و سوالاتی از این دسته که به ما کمک می‌کند تا بتوانیم پاسخی مناسب و درخور هر منطقه و گروه‌های خاص پیدا کنیم.

پلیس برای اجرای این مرحله می‌تواند از دو روش جلسات اجتماعی^{۵۱} یا جلسات متمرکز گروهی^{۵۲} و پیمایش‌های سطح محله^{۵۳} استفاده نماید که در ادامه به بررسی هر یک می‌پردازیم.

۴-۱-۱- جلسات اجتماعی

یکی از بهترین روش‌ها برای بررسی و شناسایی عوامل و همچنین میزان ترس از جرم در محلات جلسات اجتماعی یا جلسات متمرکز گروهی است که پلیس برای ساکنان محلات برگزار می‌کند. افرادی که در این جلسات شرکت می‌کنند، در اکثر اوقات تمایل زیادی دارند که نگرانی و ترسشان را درباره جرایم و دیگر عوامل مرتبط عنوان نمایند چراکه این جلسات جنبه دستوری و اجرایی ندارند و پلیس از منظر قدرت با افراد محله گفتگو نمی‌کند بلکه در آن فقط هدف حل مشکلات آن محله با هم‌فکری و مشارکت افراد همان محله است که به‌همین خاطر شهروندان هم با اشتیاق بیشتری در این جلسات شرکت می‌نمایند. جلسات اجتماعی نسبت به روش پیمایش در سطح محله چندین مزیت و برتری دارد که عبارتند از:

• در برخی اوقات مشاهده‌های برخی از ساکنان باعث به‌وجود آمدن بحث‌های اضافی دیگر می‌گردد، یا باعث ایجاد نوعی همکاری می‌گردد که به‌هیچ‌وجه هنگام مصاحبه‌های فردی این نتیجه حاصل نمی‌گردد. به‌عنوان مثال ممکن است در میان همین مباحث یکی از ساکنان بپذیرد که ذهنیتش در مورد برخی از مشکلات در محله‌شان اشتباه بوده است و بدین‌صورت فرد از دیگران می‌آموزد که مشکلی که او از آن ترس داشته است، از آن میزانی که تصور می‌کرده تهدید بسیار کمتری برای وی داشته است و همین تبادل اطلاعات میان ساکنان محله به‌سادگی منجر به کاهش ترس از جرم می‌گردد؛^{۵۴}

51. Community Meetings.

52. Focus Group Discussions.

53. Neighborhood-Level Surveys.

54. Cordner, op.cit. 32.

- برتری و مزیت مهم دیگر این جلسات این است که داده‌ها و اطلاعاتی را که پلیس از این راه به دست می‌آورد امکان ندارد بتواند از طریق برگه‌های پرسشنامه به دست آورد. نکته دیگر اینکه اگر چنانچه در پیمایش‌ها مشکلات اصلی محله در سؤالاتش گنجانیده نشده باشد باعث از دست رفتن و هدر رفتن منابع می‌گردد، اما در جلسات اجتماعی آزاد به این دلیل که افراد می‌توانند با هم در مورد مسائل محله‌شان بحث و گفتگو کنند مشکلات به نحو راحت‌تری شناسایی می‌شوند؛^{۵۵}
- از دیگر مزیت‌های جلسات اجتماعی پلیس با ساکنان محلات این است که مردم این احساس را نسبت به پلیس پیدا می‌کنند که پلیس مسئولیت‌ها و وظایف خود که رضایت و اعتماد افراد جامعه است انجام می‌دهد و این گونه به افراد القاء می‌شود که در برخورد با مشکلات تنها نیستند و پلیس به فکر آنان و پشتیبانشان است که این خود سبب می‌شود افراد تشویق شوند تا همکاری بیشتری با پلیس انجام دهند؛
- یکی دیگر از نکات مثبت این جلسات این است که در آن رقم سیاه^{۵۶} جرایم آن محله در میان افراد مختلف مشخص می‌گردد که این رقم سیاه در مرحله بعدی، یعنی تجزیه و تحلیل ترس از جرم و نسبتش با میزان واقعی جرایم کمک فراوانی به پلیس می‌کند.

۴-۱-۲- پیمایش‌های سطح محله

سازمان‌های پلیس باید هر چند وقت یکبار فرم‌های پیمایشی را در سطح محلات توزیع نمایند تا بدین وسیله بتوانند اطلاعات مناسبی را از ساکنان آن محله به دست آورند، البته پلیس باید این نکته را در مورد پرسشنامه‌های تهیه شده در نظر داشته باشد که نباید آنها خیلی علمی و طولانی باشند تا افراد بیشتری در این پیمایش‌ها مشارکت نمایند.^{۵۷} در تنظیم پرسشنامه باید پرسشنامه‌های تنظیم شده تا آنجا که این امکان وجود دارد کوتاه باشد و سؤالات آن حدالمقدور به صورت چهار گزینه‌ای تنظیم شده باشد. از موارد دیگر که می‌توان در تنظیم پرسشنامه‌ها بدان اشاره نمود این است که رنگ نوشته‌های پرسشنامه و نوع خط آن می‌تواند در جلب مشارکت و رغبت افراد در پر کردن پرسشنامه تأثیر بسزائی داشته باشد.

55. Ibidem.

۵۶. عددی که نسبت بین بزهکاری حقیقی و بزهکاری قانونی یا قضایی را نشان می‌دهد در آمار جنایی رقم سیاه یا رقم مخفی یا رقم تاریک خوانده می‌شود.

57. Ibid.

۴-۲- تجزیه و تحلیل

این مرحله از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است چراکه تجزیه و تحلیل دقیق و صحیح یک مشکل می‌تواند نقش بسزائی در مرحله پاسخ‌دهی داشته باشد. اگر ما تجزیه و تحلیل درست و مناسبی نداشته باشیم به تبع آن پاسخ‌ها هم مناسب نخواهد بود و باعث از بین رفتن بودجه و سرمایه می‌گردد. روشی که ما در این مرحله پیشنهاد می‌نماییم استفاده از ماتریس اطمینان‌آفرینی برای تجزیه و تحلیل است.

ماتریس اطمینان‌آفرینی^{۵۸} که اولین بار در بریتانیا به وجود آمد، همان‌گونه که در شکل شماره ۲ مشاهده می‌نمایید، یک چارت بسیار ساده است، اما ابزاری بسیار مفید برای تجزیه و تحلیل پدیده ترس از جرم، از مرحله هدف‌گیری تا به کارگیری به شمار می‌رود. همان‌طور که در قبل هم اشاره شد، ترس از جرم پدیده پیچیده‌ای است؛ به تبع آن پاسخ‌هایی که برای ترس از جرم باید در نظر گرفت، نمی‌تواند یکسان باشند و از پیچیدگی خاصی برخوردار هستند.

ما در ادامه به معرفی ماتریس اطمینان‌آفرینی می‌پردازیم و سپس پاسخ‌هایی برای مقابله با ترس از جرم ارائه می‌نماییم.

شکل ۲: ماتریس اطمینان‌آفرینی



۴-۲-۱- برنامه‌های پیشگیری از جرم (حیطه میزان بالای جرایم و میزان بالای ترس

از جرم)

در مناطقی که میزان جرایم بالاست، وجود ترس از جرم لاجرم پاسخی منطقی به وضع موجود خواهد بود. در چنین حالتی، نخستین گزینه پیش روی استفاده از یک برنامه پیشگیری از جرم مؤثر و کارآمد است. میزان بالای جرایم به‌نوبه خود باعث تقویت ترس از جرم می‌شود. به‌عنوان نمونه ترس از جرم سبب می‌شود تا ترس از اعلام جرم وجود داشته باشد و اعتمادبه‌نفس برای مبارزه با جرم از بین رود. نکته‌ای که نباید از خاطر برد ضرورت استفاده از ظرفیت‌های جامعه مدنی و پاسخ‌های جامعه‌ی در پیشگیری از جرم است؛ چراکه تنها در این صورت است که مردم بخشی از راه‌حل موجود به حساب آمده و در بلندمدت توانایی مقابله با پدیده مجرمانه که در لایه‌های درونی جامعه رسوخ پیدا کرده برای مردم ممکن می‌شود.

به‌هرحال، نباید از خاطر برد که میزان جرایم ارتكابی تنها یکی از عوامل ایجاد ترس از جرم در میان مردم این مناطق است. به‌کار بردن راهبردهایی نظیر تقویت نظارت‌های محلی، بهبود کیفیت فضاهای شهری، افزایش همبستگی اجتماعی و افزایش روابط همسایگان با یکدیگر می‌تواند به کاهش ترس از جرم منجر شود. نمونه یک چنین محله‌ای را می‌توان در مناطق مرکزی شهرهای بزرگ با جمعیت‌های ناپایدار یافت.

چنانچه برنامه‌ای درجهت کاهش جرم در نظر گرفته شود، می‌بایست اطمینان حاصل کرد که مردم از آن مطلع شده‌اند. بدیهی است، اجرای برنامه‌های پیشگیری بدون اطلاع‌رسانی در مورد آن تأثیری در کاهش ترس از جرم نخواهد داشت. یک نمونه عینی استفاده از دوربین‌های مداربسته در مناطق پرخطر است. درحالی‌که پژوهش‌های انجام‌شده بر کارایی این دوربین‌ها در کاهش ترس از جرم صحه می‌گذارند، تحقیق‌ها نشان می‌دهد این تأثیر تنها زمانی وجود خواهد داشت که مردم از وجود این دوربین‌ها مطلع باشند.

۴-۲-۲- حیطه ترس از جرم (میزان جرایم پایین و میزان ترس از جرم بالا)

هدف اصلی در برنامه‌های مقابله با ترس از جرم مناطقی است که علی‌رغم میزان جرایم پایین، مردم باز هم احساس ترس از جرم دارند. در این مناطق می‌بایست با به‌کار بردن یک روش جامع و کارا بر نظرات و تصورات مردم در زمینه جرم تأثیر گذاشت و بدین ترتیب زمینه کاهش ترس از جرم و بالا بردن میزان کیفیت زندگی را فراهم آورد.

نمونه این مناطق را می‌توان در مناطق روستایی و محله‌های مجاور مناطق جرم‌خیز (نظیر حومه لندن) یافت. وجود این مناطق مؤیدی برای این نظریه است که ترس از جرم ماهیتی مستقل از جرم دارد و در برخی موارد مردمی که به‌لحاظ آماری خطر بزه‌دیدگی پایینی دارند، میزان بالایی از ترس از جرم را تجربه می‌کنند.

۴-۲-۳- حیطة راهبردهای آموزشی (میزان جرایم بالا و میزان ترس از جرم پایین)
در مناطقی که میزان جرایم بالا بوده، ولی مردم ترسی از آن نداشته و حساسیتی نسبت به واقعیت‌های پیرامون خود ندارند، می‌بایست تلاش شود تا با اجرای برنامه‌های آموزشی میزان آگاهی مردم نسبت به جرایمی که ایشان را تهدید می‌کند بالا برده شود. با توجه به ماهیت نسبی ترس از جرم، این امکان وجود دارد که مردم یک منطقه در خصوص نوع مشخصی از جرایم ترس بالایی داشته، ولی از جرم دیگری غافل مانده باشند. در این حالت ضمن لزوم ارزیابی دقیق و علمی تصورات مردم، برنامه‌های آموزشی می‌بایست خاص و جهت‌دار طرح‌ریزی شود.

به‌هر حال، راهبردهای اتخاذی نباید به سمت وسوی افزایش بی‌مورد ترس از جرم در این مناطق طرح‌ریزی شود، بلکه باید کوشید تا مشارکت‌های مردمی در برنامه‌های پیشگیری از جرم افزایش یابد. نمونه یک چنین منطقه‌ای را می‌توان در شهرهای دانشگاهی یافت، جایی که اکثر ساکنین به‌تازگی به این منطقه نقل‌مکان کرده‌اند و از خطرهایی که ایشان را تهدید می‌کند، آگاهی ندارند.

۴-۲-۴- حیطة ایده‌آل (میزان جرایم پایین و میزان ترس از جرم پایین)
حالت ایده‌آل در بحث ترس از جرم جایی است که میزان جرایم و ترس از جرم هردو پایین هستند. درحقیقت باید تلاش شود تا دیگر حوزه‌ها به این وضعیت نزدیک‌تر شوند. نمونه این مناطق را می‌توان در مناطق روستایی دورافتاده‌ای یافت که ارتباطات اجتماعی میان مردم همچنان قوی باقی مانده است.^{۵۹}

چگونگی کاربرد ماتریس اطمینان‌آفرینی قرار دادن محله‌ها در چهار قسمت این ماتریس است، بدین‌نحو که اطلاعات مربوط به ترس از جرم و جرایم در میان هر محله جمع‌آوری

۵۹. سیدزاده ثانی، «ترس از بزه‌دیدگی مکرر»، پیشین، ۳۵۹ و ۳۶۲.

گردد و سپس با تحلیل این اطلاعات هر محله در آن قسمت از ماتریس که نیاز است قرار گیرد و برنامه‌های آن اجرایی گردد.

البته ایرادی که به تمام پیمایش‌های ترس از جرم وارد است این نکته است که ما چه زمان می‌توانیم بگوییم که ترس از جرم در یک منطقه بالاست؟ یا اینکه میزان ترس از جرم نسبت به رقم واقعی جرایم بیشتر است؟ برای پاسخ به این دو سؤال تنها می‌توانیم با استفاده از مقایسه شهرها و محلات به پاسخی مناسب برای آنها دست یابیم.

۴-۳- واکنش‌ها

در این مرحله باید از پاسخ‌هایی که متناسب با حل مشکل ترس از جرم باشد استفاده نمود و در هر منطقه یا محلی به فراخور اطلاعاتی که از قبل از آن به دست آورده‌ایم و آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم پاسخ مناسب به خودش را بدهیم. به عنوان مثال:

- ترس ممکن است ناشی از میزان بالای جرایم باشد که در این صورت باید تمرکز خود را بر برنامه‌های پیشگیری معطوف کنیم؛
- ترس ممکن است به دلیل روئت‌پذیری کم پلیس باشد که در این صورت باید روئت‌پذیری را افزایش دهیم؛
- ترس ممکن است به دلیل عدم موفقیت پلیس در دستگیری متهمین باشد که در این صورت باید پیگردها و تحقیقات قانونی را افزایش دهیم؛
- ترس ممکن است به دلیل واکنش دیر هنگام نیروهای پلیس باشد که در این صورت باید مدت پاسخ‌گویی پلیس را افزایش داد و سرعت عمل آنها را بهبود بخشید؛
- ترس ممکن است به دلیل بی‌نظمی و خشونت باشد که در این صورت باید بر بهبود نظم منطقه و مقابله بیشتر با جرایم خرد متمرکز شویم؛
- ترس ممکن است نتیجه عدم اطمینان و اعتماد به پلیس باشد که در این صورت پلیس باید روابطش را با اجتماع بهبود ببخشد؛
- ترس ممکن است ناشی از محیط پیرامون افراد باشد که در این مورد راهکارهای فراوانی وجود دارد. در ذیل چند مورد از آنها را ذکر می‌کنیم:
 ۱. بهبود روشنایی خیابان‌ها؛
 ۲. ایجاد سطوح‌های آشغال کافی در مکان‌های عمومی که همین امر باعث می‌گردد که محیط این منطقه تمیزتر بماند که این خود موجب می‌شود مردم آنجا و

کسانی که وارد آن محیط می‌شوند، احساس نکنند بی‌نظمی و جرم امری عادی در این منطقه است.

البته بحث طراحی از طریق محیط یک استراتژی با سابقه در بحث پیشگیری از جرم است، اما این استراتژی در بحث ترس از جرم هم می‌تواند بسیار مفید و مؤثر واقع گردد. به عنوان نمونه در ایالت بالتیمور^{۶۰} آمریکا بین دو گروه از دانش‌آموزان سفیدپوست و سیاه‌پوست تنش‌ها^{۶۱} و تهدیدات خشن فراوانی به وجود آمده بود. دانش‌آموزان و والدین هر دو گروه عنوان نموده بودند که ترسشان باعث به وجود آمدن آسیب‌های جدی گردیده است. افسران پلیس متوجه شدند که درگیری‌ها در اطراف دو ایستگاه اتوبوس متمرکز بود که دانش‌آموزان آن دو گروه از آن استفاده می‌کردند. ایستگاه‌های اتوبوس به همدیگر نزدیک بودند. افسران توانستند که هیئت‌مدیره آموزشی^{۶۲} ایالت را متقاعد کنند تا یکی از ایستگاه‌های اتوبوس را به محل دیگری منتقل کنند و با این کار آنان مشکلات آرام گرفت.^{۶۳} در این مثال ما به خوبی می‌بینیم که با این عمل پلیس از جرایم پیشگیری شده و ترس افراد هم از این مسئله کاهش پیدا کرده است.

نکته پایانی در این قسمت اینکه در اتخاذ راهبردهای خاص برای کاهش ترس از جرم می‌بایست همیشه ملاحظات ذیل مدنظر باشد:

- پلیس در مبارزه با ترس از جرم نمی‌تواند به تنهایی از عهده تمام کارها برآید و در این میان باید از دیگر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی درخواست کمک نماید و هماهنگی‌های لازم را با سازمان‌های مختلف داشته باشد؛ به عنوان مثال در مناطقی که وضعیت نظافت منطقه مناسب نیست این موضوع را به شهرداری اعلام نماید و دیگر اینکه آمار قضایی هر منطقه را به تفکیک از دادگستری مطالبه نماید که این آمار می‌تواند کمک شایانی در تحلیل ترس از جرم در هر منطقه بنماید؛
- راهبرد اتخاذی نباید سبب جابجایی منشأ ترس از جرم شود. به عنوان نمونه مستقر کردن نیروهای پلیس در مناطق پرخطر نباید سبب غافل ماندن ایشان از مناطق فرعی و حومه شهر شود؛

60. Baltimore.

61. Tensions.

62. Board of Education.

63. Cordner, op.cit. 51.

- راهبرد اتخاذی نباید موجب ایجاد وحشت عمومی و بزه‌دیدگی اقلیت‌های قومی و نژادی در جامعه شود، به‌خصوص گروه‌هایی که به‌صورت قانونمند از امکانات عمومی جامعه بهره می‌برند؛
- پرهیز از گزارش‌های منفی رسانه‌های گروهی؛ توضیح اینکه رسانه‌های گروهی با پرداختن به نکات منفی منطقه هدف در عمل به افزایش ترس از جرم کمک می‌کنند. برای نیل به این هدف مناسب آن است که رسانه‌های گروهی به‌جای پرداختن به اینکه برنامه‌های حاضر سبب «کاهش ترس از جرم» می‌شوند، به جنبه‌های ایجابی برنامه بپردازند و چنین‌القاء کنند که برنامه‌های طرح‌ریزی‌شده سبب «بهبود امنیت عمومی» خواهند شد.^{۶۴}

۴-۴- ارزیابی

ارزیابی، بررسی نظام‌مند فرایندها، ستادها، نتایج و ابتکارات، سیاست‌ها و عملکردهاست^{۶۵} و اقسامی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ارزیابی فرایندمدار، ارزیابی برآیندمدار، ارزیابی پویش‌گرایانه و ارزیابی توضیحی.^{۶۶}

ارزیابی فرایندمدار عمدتاً بر کیفیت اجرا و اقدامات پژوهشی اولیه متمرکز شده و باعث اصلاح در طراحی پروژه‌های در حال اجرا و افزایش موفقیت می‌گردد.^{۶۷}

ارزیابی برآیندمدار، فرایند اجرای طرح یا برنامه را در مقطع زمانی خاص با هدف رسیدن طرح یا برنامه به هدفش، موردسنجش قرار می‌دهد.^{۶۸}

ارزیابی پویش‌گرایانه زمانی صورت می‌گیرد که مردم از مشکل موجود آگاهند، اما به وسعت آن پی نبرده‌اند.^{۶۹}

۶۴ سیدزاده ثانی، «ترس از بزه‌دیدگی مکرر»، پیشین، ۳۶۴.

۶۵ جوان‌جعفری و سیدزاده ثانی، پیشین، ۱۹۶.

۶۶ مریم عباچی، «مبانی و مقدمات تدوین برنامه پیشگیری از جرم در ایران»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۹ (۱۳۸۷)، ۴۵.

۶۷ جوان‌جعفری و سیدزاده ثانی، پیشین، ۱۹۶.

۶۸ محمدعلی بابایی، «ارزیابی برنامه عملی پیشگیری از جرم» (مقاله ارائه‌شده در همایش ملی علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، تهران، ۱۲ و ۱۳ اسفند ماه ۱۳۹۰)، ۵۷.

۶۹ همانجا.

ارزیابی توضیحی به مجریان طرح یا برنامه کمک می‌کند بر مبنای بهترین راهی که برنامه نظم می‌بخشد، تصمیم‌گیری کنند.^{۷۰}

برای اینکه پلیس مسئله‌محور بتواند به‌خوبی و دقیق پروژه‌ها و برنامه‌های خود را موردسنجش و ارزیابی قرار دهد باید از تمامی اقسام ارزیابی‌های عنوان‌شده بهره بگیرد. زمانی که یک پروژه به‌خوبی طراحی شده باشد، ارزیابی آن اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، چراکه ما به‌وسیله ارزیابی آن می‌توانیم بفهمیم که به اهدافی که داشته‌ایم، دست پیدا کرده‌ایم یا خیر؟ به‌وسیله ارزیابی باید هزینه‌های به‌وجودآمده را بسنجیم و ببینیم که آیا نتایجی که در کوتاه‌مدت و بلندمدت مدنظرمان بوده تحقق پیدا کرده است یا خیر؟ و خیلی از موارد دیگر که به‌وسیله ارزیابی می‌توان به آن دست پیدا کرد.

مهم‌ترین سؤالاتی که در ارزیابی برنامه‌های ترس از جرم می‌توان مطرح کرد و باید به آنها پاسخ داد، می‌توان به سؤالات ذیل اشاره کرد:

- آیا ترس از جرم در منطقه موردنظر کاهش پیدا کرده است یا خیر؟
- عوامل مؤثر بر ترس از جرم در منطقه موردنظر از بین رفته‌اند یا خیر؟
- آیا برنامه در جهت تحقق اهداف حرکت نموده است یا خیر؟
- هزینه‌های انجام‌شده در پروژه با فواید حاصل از آن هم‌خوانی داشته است یا خیر؟ و سؤالاتی از این دست.

به‌عنوان مثال پس از اجرای برنامه‌های ترس از جرم باید ارزیابی کنیم آیا ترس از جرم در منطقه‌ای که موردنظر ماست کاهش پیدا کرده است؟ یا اینکه احساس ترس از جرم در میان افراد منطقه موردنظر که میزان ترس آنان نسبت به میزان واقعی جرایم بیشتر بوده، کاهش پیدا کرده است یا خیر؟

نکته پایانی در بحث ارزیابی فارغ از انواع ارزیابی و اینکه هر پروژه یا هدفی باید حتماً موردارزیابی قرار بگیرد؛ چگونگی اجرای ارزیابی بخش مهم دیگری محسوب می‌گردد و به دو نوع ارزیابی عملی و ارزیابی عمل‌گرایانه تقسیم می‌گردد. در رویکرد اول، برنامه‌ها با تکیه بر نظریه‌های جرم‌شناسی به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند تا عوامل خطر را کنترل کنند یا از بین ببرند. ارزیابی این رویکرد اغلب بر مبنای سنجش میزان تأثیرگذاری بر عوامل انجام می‌شود. درمقابل در رویکرد دوم، مبنای نظری چندان موردتوجه قرار نمی‌گیرد و ارزیابی انجام‌شده

مبتنی بر شاخص‌های تجربی نیست. در این رویکرد ارزیابی بیشتر موضوعی سیاسی تلقی می‌شود تا مسئله‌ای فنی و کارشناسی. برای مقابله با این معضل ارزیابی، یک راهکار اساسی پیش روی ما قرار دارد و اینکه ارزیابی نباید به نهاد مسئول و مجری برنامه واگذار شود، چراکه منافع و دغدغه‌های نهاد اجراکننده برنامه، همیشه مانع از آن است که این نهاد بتواند ارزیابی دقیق و بی‌طرفانه نسبت به آثار و پیامدهای واقعی برنامه، داشته باشد. نهادهای مجری غالباً با مینا قرار دادن آمار و اطلاعات موجود در سازمان خود نسبت به ارزیابی اقدام می‌کنند و معمولاً نتایج ارزیابی خود را با هدف سازمانی تطبیق می‌دهند.^{۷۱} در رویکرد پلیسی مسئله‌محور هم برای ارزیابی برنامه‌های مبارزه با ترس از جرم باید این نکات را مدنظر داشت، بدین‌صورت که پلیس باید موارد عنوان‌شده و راهکارهای اجرایی را انجام دهد، اما ارزیابی توسط نهاد، سازمان یا پژوهش‌گران متخصص در این حیطه انجام پذیرد تا نتایجی که به‌دست می‌آید دقیق‌تر و از ایرادات عنوان‌شده مصون باشد.

نتیجه

۱. باتوجه به اهمیت مسئله ترس از جرم و وظیفه نیروی انتظامی در امر پیشگیری و مبارزه با ترس از جرم، تنها رویکرد سنتی و جامعه‌محوری پلیس پاسخ‌گوی همه نیازهای سازمان‌های پلیسی نیست و تنها می‌تواند بخش کوچکی از وظایف پلیسی و مشکلاتش به‌وسیله این رویکرد حل شود. بنابراین باید به‌صورت هدفمند و با تکیه بر مسائل خاص به امر مبارزه با پدیده ترس از جرم و کاهش آن پرداخت، نه‌اینکه پروژه‌های ترس از جرم به‌صورت مقطعی و پراکنده صورت گیرد؛
۲. رویکرد مسئله‌محور پلیس که در دیگر کشورها در حال اجراست و می‌توان گفت تقریباً رویکرد موفق‌تری بوده است، با استفاده از چهار شیوه بررسی، تجزیه و تحلیل، واکنش و ارزیابی به کاهش ترس از جرم در میان جامعه و افراد به آن مقدار که نیاز است، دست یافته است و پلیس کشور ما هم باید از رهیافت‌های دیگر کشورها بهره بگیرد و سطح دانش پلیسی خودش را افزایش دهد و در برخورد با مسائل به‌صورت بیشتری از مباحث علمی بهره گیرد؛ پلیس مسئله‌محور به‌تنهایی نمی‌تواند به مبارزه و تحلیل ترس از جرم پردازد و در این میان باید حتماً از دیگر نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی و مهم‌تر از آن افراد جامعه کمک بگیرد و نهایت همکاری و تعامل را داشته باشد.

۷۱. محمد فرجیها، «ارزیابی مداخله‌های پیشگیرانه پلیس، چالش‌های روان‌شناختی و سیاست‌گذاری» (مجموعه مقاله‌های همایش پیشگیری از جرم، تهران، ۱۳۸۷)، ۱۳۳.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- احمدی، حبیب، مریم سروش و حسین افراسیابی. «ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز». فصلنامه علمی و پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی ۲ (۱۳۸۸): ۸۰-۶۵.
- بابایی، محمدعلی. «ارزیابی برنامه عملی پیشگیری از جرم». مقاله ارائه‌شده در همایش ملی علمی - کاربردی پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، تهران، ۱۲ و ۱۳ اسفند ماه ۱۳۹۰.
- جوان جعفری، عبدالرضا. «خصوصی‌سازی پیشگیری از جرم در ایران». مقاله ارائه‌شده در نخستین همایش پیشگیری از جرم، رویکرد چندنهادی به پیشگیری از جرم، تهران، ۱۳۸۷.
- جوان جعفری، عبدالرضا و سید مهدی سیدزاده‌ثانی. رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱.
- جوانمرد، بهروز. «برآورد هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی ترس از جرم». مجله تعالی حقوق ۱۳ و ۱۴ (۱۳۹۰): ۲۰۰-۱۹۱.
- ساداتی، سید محمود. «امنیت و سیاست جنایی». ماهنامه حقوقی دادرسی ۵۸ (۱۳۸۵): ۴۲-۳۶.
- سام، بهروز. «غلبه بر ترس». نشریه زبان و ادبیات فارسی فردوسی ۶۵-۶۶ (۱۳۸۶): ۹۸-۹۷.
- سیدزاده ثانی، سید مهدی. «ترس از بزه‌دیدگی مکرر». مقاله ارائه‌شده در نخستین همایش پیشگیری از جرم: پیشگیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، تهران، ۱۰ اسفند ماه ۱۳۸۷.
- صبوری‌پور، مهدی. «سنجش میزان ترس از جرم» در دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم. جلد اول. زیر نظر: دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی. ۵۶۷-۵۶۹. تهران: انتشارات میزان، زمستان ۱۳۹۳.
- ضابطیان، الهام و رفیعان محبتی. «فضاهای امن شهری با رویکرد جنسیتی». فصلنامه جستارهای شهرسازی ۲۵ و ۲۴ (۱۳۸۷): ۵۵-۴۸.
- عباچی، مریم. «مبانی و مقدمات تدوین برنامه پیشگیری از جرم در ایران». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۹ (۱۳۸۷): ۷۲-۳۳.
- فرجیها، محمد. «ارزیابی مداخله‌های پیشگیرانه پلیس، چالش‌های روان‌شناختی و سیاست‌گذاری». مجموعه مقاله‌های همایش پیشگیری از جرم، تهران، ۱۳۸۷.
- کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن. «جنبش‌های بازگشت به کیفر در کشورهای غربی». مجله الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی ۱۵-۱۶ (۱۳۸۴): ۲۹۴-۲۵۳.
- کرمانی، سعید. «بررسی میزان و عوامل ترس از جرم در مناطق ۹ و ۴ شهر مشهد». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۲.

- کریمی خوزانی، علی. «پلیس چگونه می‌تواند جرم، بی‌نظمی و ترس را کاهش دهد؟». *دوماهنامه توسعه انسانی پلیس* ۲۴ (۱۳۸۸): ۱۶۳-۱۲۵.
- کوثری، مسعود. «سرپال‌های پلیسی - جنایی، ترس از جرم و آمادگان برای جرم». *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم: پیشگیری از جرم با رویکرد جامعه‌شناختی*، تهران، ۱۰ اسفند ماه ۱۳۸۷.
- محمد نسل، غلامرضا. *پلیس و سیاست پیشگیری از جرم*. چاپ اول. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.
- محمودی‌جانکی، فیروز و محسن مرادی حسن‌آبادی. «افکار عمومی و کیفرگرایی». *مجله مطالعات حقوقی* ۲ (۱۳۹۰): ۲۱۴-۱۷۵.
- مقدسی، محمدباقر و محمد فرجیها. «رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرایم جنسی (مطالعه تطبیقی)». *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی* ۲ (۱۳۹۰): ۱۳۳-۱۱۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مترجم. *جرم‌شناسی*. تهران: میزان، ۱۳۹۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مترجم. *درآمدی بر سیاست جنایی*. تهران: میزان، ۱۳۹۰.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. «سیاست کیفری عمل‌گرا - عوام‌گرا». *تقریرات دوره دکترای دانشگاه شهید بهشتی*، نیمسال نخست ۱۳۸۹-۱۳۹۰.
- نویدینیا، منیژه. «تأملی نظری در امنیت اجتماعی؛ با تأکید بر گونه‌های امنیت». *فصلنامه مطالعات راهبردی* ۳۱ (۱۳۸۴): ۷۲-۵۳.
- نیکوکار، حمیدرضا و بهاره همّت‌پور. *ترس از جرم*. چاپ اول. تهران: میزان، ۱۳۹۱.
- نیکوکار، حمیدرضا و مسعود یاراحمدی. «تأثیر رویکردهای پلیس سنتی و جامعه‌محور در کاهش ترس از جرم». *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم* ۲۲ (۱۳۹۱): ۱۷۰-۱۵۳.
- وروایی، اکبر. «رویکرد جامعه‌محوری پلیس». *فصلنامه امنیت* ۳ (۱۳۸۶): ۱۴۵-۱۱۷.
- همتی، رضا. «پلیس جامعه‌محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی». *فصلنامه دانش انتظامی* ۳ (۱۳۸۶): ۱۴۷-۱۳۱.

ب) منابع انگلیسی

Center Problem-Oriented Policing. "Mission and History of the Center for Problem-Oriented Policing." Last Modified October 19, 2015. <http://www.popcenter.org/about/?p=history>.

Clarke, Roland V., and John E. Eck. *Crime Analysis for Problem-Solvers: In 60 Small Steps* Washington. U.S: Department of Justice, 2009.

Cohen, Robin. "The Free Movement of People: Ethical Debates before and after 9/11." In *Crime, Social Control and Human Rights: From Moral Panics of Denial, Essays in Honour of Stanley Cohen*, edited by Christine Chinkin, David Downes, Conor Gearty and Paul Rock, 211-225. Cullompton: Willan Publishing, 2007.

Cordner, Gary. *Reducing Fear of Crime Strategies for Police*. U.S: Department of Justice, 2010.

De Donder, Liesbeth; Tine Buffel, Dominique Verte, Sarah Dury, Nicode Witte. "Feelings of Insecurity in Context: Theoretical Perspectives for Studying Fear of Crime in Late Life." *International Journal of Economics and Finance* 1(1) (2009): 1-20.

Department of Justice, *Fear of Crime in Ireland and its Impact on Quality of Life* (Dublin: The National Crime Council, 2009).

Doran, Bruce J., Melissa B. Burgess. *Putting Fear of Crime on the Map*. New York, Dordrecht, Heidelberg, London: Springer, 2012.

Goldstein, Herman. "Problem-Oriented Policing, Approach, Crime and Delinquency." *Journal of Economic Crime Management* 25 (1979): 236-258.

United Nations Office on Drugs and Crime, United Nations Economic Commission for Europe/United Nations, *Manual on Victimization Surveys*, United Nations, 2010.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVIII, No. 2

2019-2

- **Attorney's Criminal Liability**
Dr. Bizhan Hajiazizi - Seyyedeh Maryam Etemad
- **Conflict between Public Interests of the Community and the Individual Interest of the States**
Dr. Hoorieh Hosseini Akbarnezhad
- **Access to Sufficient Food as a Human Right in the Legal System of World Trade Organization**
Dr. Najmeh Razmkhah
- **A Criticism of Article 137 of Islamic Criminal Law regarding Crime Recidivism**
Azadeh Ghorbani - Arezoo Ghorbani
- **The Problem-Oriented Policing and Fear of Crime**
Dr. Seyyed Mahdi Seyyedzadeh Sani - Saeed Kermani
- **The Interaction of Territorial Integrity with Rights and Legitimate Freedoms under Domestic and International Law**
Dr. Hedieh Sadat Mirtorabi - Dr. Sobhan Tayebi
- **Reduction Process of Capital of Corporation in Iran and UK Laws**
Hamid Shali
- **Legal Analysis of Mobile Number Portability in Iran, in the Light of Comparative Studies**
Seyyed Hashem Maddah Hosseini - Rajab Fallahi - Sara Mortezagholi
- **Effects of the Disclaimer or Limitation of Liability Clauses in Iranian Law with a Review in the English Legal System**
Dr. Hojjat Mobayen - Amin Amirhosseini
- **The Mechanisms for Protecting the Right to Use the Mother Tongue in International and National Institutions**
Dr. Seyyed Ghasem Zamani - Farhad Abedini Saadabad
- **The Privilege against Self-Incrimination in International Courts**
Alireza Gharaghani



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study